

قتل غیر عمد

یکی از آسیب‌های مهم در همه جوامع انسانی، ارتکاب جرم قتل است که به عنوان یکی از قدیمی‌ترین جرایم در جهان مطرح می‌باشد. در واقع از زمانی که جامعه بشری شکل گرفت و کشاکش و اصطکاک منافع بین انسان‌ها آغاز شد جرم قتل نیز به وجود آمد. به طور کلی قتل به دو دسته «عمد» و «غیر عمد» تقسیم‌بندی می‌گردد. تفاوت اساسی این دو دسته قتل در هدف و نیت عامل یا عاملان آن است. در قتل عمد، قاتل با هدف قبلی قصد کشتن مقتول را دارد؛^۱ اما قتل غیر عمد کشتن انسان بدون قصد و اراده و ناشی از عدم مهارت، بی‌احتیاطی، عدم دقت، غفلت و عدم رعایت مقررات، و یا قتل ناشی از عدم مهارت یا تصادف می‌باشد.^۲

در قانون ما قتل نفس بر ۳ نوع است: عمد، شبه‌عمد و خطای محض.^۳

قتل عمد: وقتی محقق می‌شود که فردی با انجام کاری قصد کشتن شخصی را داشته باشد و یا کاری که انجام داده نوعاً کشنده باشد و یا هرچند کارش نوعاً کشنده هم نبوده اما با در نظر گرفتن وضعیت مقتول از قبیل پیری یا بیماری یا کودکی نسبت به او کشنده تلقی شود. پس قتل عمد قتلی است که عملی که در مورد مقتول انجام می‌یابد، آگاهانه بوده و مقصود از آن نیز کشتن وی باشد.

قتل شبه عمد: در این نوع قتل فعل مرتکب نوعاً کشنده نیست و قصد سلب حیات هم ندارد اما در عمل منجر به مرگ وی می‌شود. مثل اینکه شخص سالم و با جثه نسبتاً خوبی را از جای کوتاهی پرت کنند ولی اتفاقاً فرد مذکور پس از سقوط فوت کند. فرقی نمی‌کند که این عمل مجاز یا غیرمجاز باشد. این عمل آگاهانه انجام گرفته است اما قصد قتل در میان نیست و عمل انجام‌یافته نیز کشنده نبوده و اتفاقاً موجب قتل می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید آموزگار دبستانی به واسطه بی‌نظمی دانش‌آموز در سر کلاس درس به او سیلی می‌زند و وی بر اثر این ضربه فوت می‌نماید در اینجا یک قتل غیر عمد واقع شده است. یا مانند طبیعی که بیمار را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.^۴

قتل خطای محض: در این نوع قتل، مرتکب نه دارای قصد آن کار روی جسم مقتول است و نه قصد سلب حیات دارد لیکن مبادرت به انجام کاری یا قصد روی شیئی یا شخصی یا موجود مورد نظر خود می‌کند که اتفاقاً منجر به قتل وی می‌شود. در خطای محض شخص مقتول اصلاً مورد نظر قاتل نیست یعنی قاتل نه می‌خواهد مقتول را بکشد و نه در صدد انجام عملی در مورد مقتول بوده است، در واقع مقتول را اتفاقاً هدف می‌گیرد و در نتیجه به قتل می‌رساند. مانند آنکه شخصی به قصد شکار حیوانی به سوی آن اقدام به شلیک گلوله می‌کند اما گلوله به انسانی برخورد می‌کند و سبب مرگ او می‌شود در اینجا مرتکب قصد تیراندازی دارد و آن را با اختیار و اراده انجام می‌دهد اما قصد اصابت گلوله به مقتول را ندارد و مرگ او را نیز نمی‌خواهد.

^۱ - www.imj.ir

^۲ - www.dadkhahi.net

^۳ - ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی

^۴ - سپهوند- امیرخان- حقوق کیفری اختصاصی (۱)- جرائم علیه اشخاص - با همکاری حمید عسکری پور- انتشارات مجد - چاپ اول - ۱۳۸۶ صفحه ۱۷۱

موضوعی که ما اکنون به بررسی آن می‌پردازیم قتل غیر عمد است؛ رفتار مرتکب می‌تواند به صورت مستقیم و یا به صورت غیرمستقیم سبب قتل یک فرد گردد، مواردی که می‌تواند منجر به وقوع یک قتل غیر عمد شود:^۱

الف- بی‌احتیاطی: به معنای انجام کاری است که بر حسب قانون یا عرف نباید واقع شود مثل این که راننده از چراغ قرمز عبور کند یا با سرعت غیرمجاز موجب حادثه ناگوار قتل شود.^۲

ب- بی‌مبالائی: به معنای انجام کاری است که بر حسب قانون یا عرف ضرورت به انجام آن وجود داشته باشد مانند آنکه راننده کامیون بار خود را روی باربند ماشینی ببندد و این امر موجب سقوط بار و قتل شخص دیگری شود، همین طور در مواقعی که باید راننده ترمز بگیرد، از ترمز کردن خودداری کند و موجب قتل دیگری شود.

ج- نداشتن مهارت: به معنی نداشتن تبحر و تخصص در کاری است که فرد به عهده گرفته است و به لحاظ عدم تخصص موجب بروز حادثه‌ای و در نتیجه قتل دیگری شود مانند این که بدون تخصص در رشته برق ساختمان، موجب برق گرفتگی شخصی شود و او را بکشد.

د- رعایت نکردن مقررات و نظامات دولتی: به معنی آن است که شخص مقررات و نظامات دولتی را که به منظور حسن اجرای امری و مراقبت در انجام آن وضع شده است، نقض کند و این امر موجب بروز قتل شخصی شود. به عنوان نمونه چنانچه مقررات و نظامات و آیین‌نامه‌های ناظر به امر رانندگی که بر اساس موازین علمی از سوی دولت‌ها تنظیم شده است، مورد بی‌توجهی رانندگان قرار گیرد و حادثه قتل اتفاق افتد در این صورت قتل در حکم شبه عمد تحقق می‌یابد. نکته قابل توجه این است که جنایت‌های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ نیز به منزله خطای محض می‌باشد.^۳

سوال: در صورتی که شخصی کسی را با اعتقاد به قصاص یا به اعتقاد به مهدورالدم بودن (کسی که شرعاً مستحق قتل است و ریختن خونش منعی ندارد و جانی را به سبب قتل او مجازات نمی‌کنند) بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مقتول مورد قصاص یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است. منظور قانونگذار چیست؟

پاسخ: منظور این است که اگر کشنده یا قاتل مدعی باشد که اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول داشته است و یا شخصی است که باید قصاص شود و این اعتقاد او واقعاً بر دادگاه ثابت شود یعنی دادگاه بر اساس دلایل و استدلال قاتل پی برد واقعاً اعتقاد او بر اساس باورهای مذهبی و دینی همان بوده است، قاتل به عنوان قاتل عمد قصاص نمی‌شود، بلکه چون به خطا جانی را گرفته است و خونی را ریخته است باید دیه پردازد و اگر به دنبال این اعتقاد، مهدورالدم بودن مقتول هم ثابت شود هم قصاص و هم دیه از او ساقط می‌شود یعنی او تبرئه می‌گردد.

۱ - ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی

۲ - ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی

۳ - www.tabnak.com

سوال: چنانچه تصادف در اثر نقص فنی به وجود آمده در خودرو حادث شود ، راننده نسبت به جراحات یا صدمات وارده به سرنشین یا اشخاص ثالث مسئولیتی دارد یا خیر؟ در صورتی که ضامن است ، شبه عمد یا خطای محض محسوب می شود؟

پاسخ: چنانچه علت تصادف ، نقص فنی خوردو باشد، راننده خودرو مسئول صدمات وارده بر سرنشین و اشخاص ثالث بوده و ضرب و جرح وارده شبه عمد است نه خطای محض .

سوال: شخصی اقدام به ربودن خانمی می نماید ، فرد ربوده شده جهت حفظ حیثیت ، خود را از ماشین پایین انداخته و نهایتاً فوت می کند در پرونده فوق مسئولیت متهم به آدم ربایی در خصوص قتل فرد ربوده شده چه می باشد؟

پاسخ: با توجه به اینکه راننده با مشاهده تلاش زن مزبور به منظور رهایی و پرت کردن خود از اتومبیل ، آن را متوقف ننموده و در اثر بی احتیاطی مزبور ، حادثه مورد بحث اتفاق افتاده است لذا موضوع در حکم شبه عمد می باشد.

مجازات:

مجازات قتل یا جرح یا نقص عضو شبه عمدی و خطایی دیه است^۱ و دیه همان مالی است که به سبب جنایت برای پرداخت به ولی یا اولیای دم مقتول از طرف قانون تعیین شده است ، اما در بعضی از موارد قانونگذار بنا بر مصالح اجتماعی علاوه بر پرداخت دیه مجازات حبس هم قرار داده است و این در جایی که قتل در اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی بوده یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته و یا به سبب رعایت نکردن نظامات واقع شودیک تا سه سال^۲ و در مورد قتل ناشی از تخلفات رانندگی شش ماه تا سه سال حبس می باشد^۳. قابل ذکر است که در قتل خطای محض به لحاظ اینکه مبنای خطا تقصیر نیست مجازات حبس منتفی است و قابلیت اجرایی ندارد^۴. در نتیجه در صورتی که در قتل غیر عمدی ناشی از بی-احتیاطی یا عدم مهارت راننده یا عدم رعایت نظامات دولتی صاحب حق گذشت نماید مرتکب همچنان به حبس محکوم می گردد. (رأی وحدت رویه شماره ۳۴-۱۳۶۳/۹/۱۲)^۵

نوع و مقدار دیه قتل:

دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می باشد و تلفیق آنها جایز نیست.

- ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
- ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.

^۱ - ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی

^۲ - ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی

^۳ - ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی

^۴ - سپهوند- امیرخان- حقوق کیفری اختصاصی (۱)- جرائم علیه اشخاص - با همکاری حمید عسکری پور- انتشارات مجد - چاپ اول - ۱۳۸۶ صفحه ۱۸۴

^۵ - قربانی - فرج.ا. - مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور - آراء جزایی - تهران: فردوسی - چاپ هفتم ۱۳۸۰ - صفحه ۴۱۶

۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.

۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن.

۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.

در صورت توافق طرفین و یا معذور بودن از پرداخت اصل آن‌ها، قیمت هر یک از موارد ششگانه پرداخت می‌شود.^۱ ارزش ریالی دیه کامل بر مبنای قیمت در سال ۸۹ به استناد بخشنامه وزارت دادگستری چهارصد و پنجاه میلیون ریال می‌باشد.)

✓ در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه رجب، ذیقعد، ذیحجه، محرم واقع شود و یا در حرم مکه معظمه اتفاق بیفتد علاوه بر یکی از موارد ششگانه به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود.^۲

✓ دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است.^۳

✓ در زمینه افزایش دیه در ماه‌های حرام تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.

✓ دیه یک فرد عادی با دیه پیشوای عادل مسلمانان یک اندازه است و تخصص و تعهد و ایمان در آن تأثیری ندارد.^۴

*سوال: در مورد قتل اقلیتهای مذهبی دیه چگونه تعیین می‌شود؟

پاسخ: طبق قانون اخیرالتصویب دیه اقلیتهای مذهبی مانند دیه مسلمان است. ضمناً اقلیتهای مذهبی عبارتند از: کلیمی، مسیحی، زرتشتی که دارای کتاب هستند. قابل ذکر است در ماه‌های حرام نیز دیه اقلیتها تغلیظ می‌شود.^۵

* سوال: چرا دیه زن نصف دیه مرد است؟

۱) مسولیت اقتصادی و اداره خانواده با مرد است و در اسلام زن از چنین مسوولیتی برخوردار نیست، چون دیه به عنوان غرامت و جبران بخشی از خلا ایجاد شده در خانواده است. اگر مردی عمداً زنی را کشت به طور طبیعی باید بتوان او را قصاص کرد و کشت ولی برای رعایت سرنوشت خانواده او، اگر اولیای مقتول بخواهند مرد را قصاص کنند باید نیمی از دیه را پرداخت کنند تا مشکل خانواده قاتل برطرف شود.

۱- ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی- (همان منبع صفحه ۱۸۰)

۲- ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی

۳- ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی

۴- www.mazaheb.ir

۵- اداره کل آموزش قضات- مشاوره قضایی تلفنی (۱)- قم نشر قضا ۱۳۸۴- صفحه ۳۸

۲) نصف بودن دیه زن، به سود زنان است! زیرا به طور معمول دیه زن به شوهر و بچه‌ها پرداخت می‌شود و دیه مرد به زن و بچه‌هایش می‌رسد و چون با از بین رفتن مرد، زن بیشتر صدمه می‌بیند، لذا دیه مرد را بیشتر کرده‌اند تا بخشی از فشار وارده در فقدان مرد که متوجه زن است، جبران گردد.

۳) آنچه به عنوان دیه پرداخت می‌شود قیمت شخص متوفی نیست بلکه در مقابل خسارتی است که بر خانواده او وارد می‌شود. با مرگ مرد خانواده در واقع منبع درآمد و نان‌آور خانه از بین می‌رود. پس باید به اقتصاد خانواده کمک شود. اما وقتی زن کشته می‌شود، اگر چه نفس محترمه‌ای از دنیا رفته و نفس قابل جبران نیست لکن ضربه وارده به اقتصاد خانواده کمتر از مورد مرگ مرد است.

به همین دلیل است که اگر کارگر ساده‌ای دارای زن ثروتمندی باشد بر مرد واجب است که نفقه مناسب زن و فرزندان را بپردازد. در حالی که پرداخت نفقه به هیچ‌وجه بر زن واجب نیست پس شارع حکم به دیه کامل را درباره کسی قرار داده است که تمام نفقه خانواده به عهده او گذاشته شده است.

در مورد زنان سرپرست خانواده چگونه؟ آیا می‌توان آن‌ها را برابر با دیه مرد دانست؟

پاسخ: ۱) تنها یکی از حکمت‌های تفاوت در دیه بحث نفقه و تأمین مخارج زندگی است و شاید حکمت‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که ما از آنها مطلع نباشیم و لذا نمی‌توان موارد ذکر شده را علت تامه دانست.

۲) در همین مورد نیز گرچه همسر خانواده به هر دلیلی مثل مرگ شوهرش یا ناتوانی و ... مرجع امرار معاش باشد ولی از جهت شرعی و قانونی به عنوان یک وظیفه و مسوولیت و تکلیف بر عهده او نیست، لذا تکلیفی بر او تحمیل نشده است تا حقی برای او وضع شود.

۳) در صورتی که زن سرپرستی خانواده را به عهده داشته باشد و از دنیا برود در چنین مواردی وظیفه دولت اسلامی است که از طریق بیت‌المال، با ساز و کارهای مناسب در هر عصر مثل بیمه ... مشکلات چنین موارد استثنایی را حل کند.^۱

مهلت پرداخت دیه

در مواقعی که در قتل عمد به موجب تراضی طرفین قرار بر پرداخت دیه به جای قصاص می‌باشد مهلت پرداخت ظرف یکسال از زمان وقوع قتل است. این مساله در مورد قتل غیرعمد دو سال و در قتل خطای محض سه سال می‌باشد. این مدت در صورت تراضی طرفین می‌تواند به تأخیر بیفتد و اگر در شبهه عمد قاتل در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده خواهد شد.^۲

سوال: در قتل غیرعمد دیه بر اساس چه تاریخی محاسبه می‌گردد؟

^۱ - www.fekrejan.ir

^۲ - مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی. سپهوند- امیرخان- حقوق کیفری اختصاصی (۱)- جرائم علیه اشخاص - با همکاری حمید عسکری‌پور-

انتشارات مجد - چاپ اول - ۱۳۸۶ - صفحه ۱۸۲

پاسخ: اساساً محاسبه دیه براساس میزان مقرر در تاریخ اجرای حکم خواهد بود. فلذا اجرای احکام می‌بایستی تاریخ اجرای حکم دیه را ملاک محاسبه قرار دهد.^۱

سوال: حکم به پرداخت دیه صادر شده است. محکوم‌علیه بخشی از دیه را پرداخت کرده است. محکوم‌له مابه‌التفاوت آنچه را که پرداخت شده را به نرخ روز مطالبه می‌نماید آیا خواسته قابلیت اجابت دارد یا خیر؟

پاسخ: مطالبه مابه‌التفاوت آنچه که پرداخت شده ممکن نیست و بقیه دیه باید به قیمت روز پرداخت گردد.

سوال: آیا قبل از انقضای مهلت ۲ سال متهم می‌تواند تقاضای اعسار و تقسیط دیه قتل غیرعمد را بنماید؟

پاسخ: پذیرش دعوای اعسار از پرداخت دیه، منوط به لازم‌الاجرا شدن حکم مربوطه است. چرا که اعسار یا ملائت شخص باید در زمان تأدیه بدهی معلوم شود.

سوال: در محکومیت تعزیری جرائم رانندگی که همراه با دیه باشد آیا به محض خاتمه اجرای حکم تعزیری و با وجود این که مهلت پرداخت دیه فرا نرسیده باشد آیا محکوم‌علیه باید بلاقید آزاد گردد یا خیر؟

پاسخ: قبل از موعد پرداخت که در موضوع مورد بحث ما دو سال از زمان وقوع تصادف است اجرای احکام مواجه با تکلیفی نیست. پس از انقضای مهلت در صورت ادعای اعسار محکوم‌علیه از پرداخت دیه و درخواست حبس از سوی محکوم‌له، می‌توان محکوم‌علیه را تا احراز اعسار حبس نمود.^۲

مسئول پرداخت دیه

مسئول پرداخت دیه در قتل عمد و شبه عمد همواره قاتل می‌باشد اما در خصوص قتل‌های خطایی مسئول پرداخت حسب مورد متفاوت است. اگر (در قتل خطایی) قتل با اقرار قاتل یا خودداری او از سوگند و یا قسامه ثابت شد دیه به عهده خود اوست و در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله می‌باشد.^۳ عاقله به چه کسی می‌گویند؟ بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که در صورت فوت قاتل می‌توانند از او ارث ببرند به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود. نابالغ، دیوانه، معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شوند.

سوال: اگر عاقله محکوم به دیه شود و بعد از انقضا مهلت قانونی و درخواست محکوم‌له دیه را پرداخت ننماید آیا مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی خواهد شد یا نه؟

^۱ - همان - صفحه ۴۶

^۲ - همان - صفحه ۴۷

^۳ - مواد ۳۰۴ و ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی. همان صفحه ۱۸۳

(ماده ۲: هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفاء می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له ، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد.)

پاسخ: به مستفاد از ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی چنانچه عاقله نتواند در مهلت مقرر دیه را پرداخت نماید، دیه از بیت المال پرداخت می شود. بنابراین موردی برای اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی به نظر نمی رسد.^۱ گاهی دو نفر با همدیگر قراردادی می بندند که بر اساس آن شخصی در مقابل دیگری متعهد می شود که او را کمک کرده و خسارات ناشی از جرم او را به عهده خود گیرد و در عوض وارث او باشد (در حالی که خویشی نسبی به او ندارد) به این شخص ضامن جریره می گویند که او هم عاقله محسوب می گردد.^۲

سوال: شخص در اثر سانحه تصادف فوت می کند بر اساس نظریه پزشکی قانونی علت تامه فوت با توجه به زمینه بیماری قلبی و مرض قند که داشته ، و نیز ورود صدمات در این تصادف ۳۰ درصد دخالت در مرگ و ۷۰ درصد وجود بیماری قلبی تشخیص داده شده است (توسط پزشکی قانونی) تکلیف دیه در اینجا چیست؟ آیا متهم موصوف را به پرداخت ۳۰ درصد دیه کامله محکوم نماییم یا اینکه تصادف به وقوع پیوسته را علت تامه مرگ تلقی و به دیه کامله محکوم شود؟

پاسخ: با عنایت به مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی و نظریه عده زیادی از فقهای امامیه از جمله حضرت امام (قدس سره) نصف دیه کامله را بایستی جانی به اولیای دم مقتول پرداخت نماید زیرا میزان تقصیر چه مقداری باشد تأثیری در موضوع ندارد.^۳

سوال: در اثر برخورد یک دستگاه وانت نیسان و یک دستگاه موتور سیکلت راننده موتور سیکلت مصدوم می شود و طبق نظریه افسر کاردان فنی ، راننده وانت را ۳۰ درصد به علت سرعت زیاد و راننده موتور سیکلت را ۷۰ درصد به علت عدم رعایت حق تقدم مقصر شناخته شده است . بر اساس موازین فقهی و قانونی با توجه به مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی مسئولیت راننده وانت در قبال پرداخت دیه مصدوم به چه میزان است میزان تقصیر یا میزان نصف دیه؟

پاسخ: دادگاه باید به نسبت تقصیراتی که به نظر کارشناس ، هر یک از طرفین مرتکب شده اند اقدام نماید و به همان نسبت تعیین دیه نماید.

سوال: چنانچه راننده اتومبیل به خاطر بی احتیاطی در امر رانندگی باعث فوت سرنشینان و خود گردد اولیای دم اشخاص برای مطابحه دیه به طرفیت چه کسانی دادخواست تقدیم نمایند؟

^۱ - همان - صفحه ۵۰

^۲ - مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون مجازات اسلامی

^۳ - همان - صفحه ۴۳

پاسخ: اولیای دم متوفی می‌توانند به طرفیت اولیای دم راننده مقصر و یا اداره بیمه برای مطالبه دیه، دادخواست تقدیم نمایند.^۱

دیه باید به اولیای دم مقتول که عبارتند از پدر، مادر، همسر، اولاد یا نوه‌های وی پرداخت شود.

سوال: شخصی در حادثه رانندگی فوت می‌کند، همسر متوفی در حین فوت حامله بوده آیا جنین جزء اولیای دم محسوب است یا خیر؟ با وجود گذشت اولیای دم از حیث دیه، سهم جنین چگونه باید محاسبه شود و از حیث کیفری آیا جنین حقی برای شکایت دارد یا خیر و در صورت مثبت بودن، آیا رضایت ولی قهری کافی است یا خیر؟

پاسخ: جنین به شرط زنده متولد شدن جزء ورثه محسوب می‌شود و از جمله اولیای دم است. ولی قهری می‌تواند نسبت به سهم جنین با رعایت غبطه او گذشت نماید و در صورت عدم گذشت، سهم جنین از دیه قابل مطالبه است و میزان آن به نسبت سهم الارث می‌باشد.

سوال: آیا دیه جزو ما ترک متوفی محسوب می‌گردد یا خیر؟

پاسخ: در قتل غیر عمدی و یا چنانچه قتل عمدی تبدیل به دیه شود، جزو ماترک متوفی شده و زوج و زوجه هم طبق ضوابط حاکم به موضوع از دیه ارث می‌برند.

سوال: آیا ولی دم می‌تواند از دیه صغیر گذشت کند؟

پاسخ: ولی دم نمی‌تواند از دیه صغیر گذشت کند. بایستی مصلحت صغیر را رعایت کند. دادگاه بایستی احراز کند آیا مصلحت صغیر رعایت شده است یا خیر.

سوال: اگر پدری در اثر تصادم مرتکب قتل غیر عمدی فرزند ذکور خود شود نحوه صدور حکم در مورد دیه و میزان آن چگونه خواهد بود؟

پاسخ: خود پدر که قاتل است از دیه ارث نمی‌برد و دیه به سایر ورثه می‌رسد.^۲

در چه مواقعی دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد؟

- هر گاه شخص یا اشخاصی در اثر ازدحام کشته شوند و یا جسد مقتولی در خیابان و اماکن عمومی پیدا شود و نتوان این قتل را به کسی منتسب کرد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- کسی مرتکب قتل شود و فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ مرتکب قتل اگر قتل عمدی بوده قصاص به دیه تبدیل می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت شود و اگر مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خوشاوندان او پرداخت می‌شود و اگر بستگانی نداشته باشد و یا اینکه داشته باشد ولی توانایی پرداخت دیه نداشته باشند دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

^۱ - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه - مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳) - مسائل قانون مدنی (۳) - قم - نشر قضا ۱۳۸۴ - صفحه ۱۰۰

^۲ - معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه - مجموعه نشست‌های قضایی (۱۶) - مسائل قانون مدنی (۴) - قم - نشر قضا ۱۳۸۴ - صفحه ۱۵۱

▪ اگر مرتکب جرم عاقله نداشته باشد یا عاقله نتواند دیه را در مدت سه سال پردازد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

(در مواردی که عاقله باید دیه را پرداخت کند و از اجرای حکم دیه امتناع می‌رود چون مسئولیت عاقله در پرداخت دیه یک تکلیف است و آن را از طرف جانی می‌پردازد ، نمی‌توان او را بازداشت کرد چنانچه متمکن باشد از اموال وی اخذ می‌گردد و اگر متمکن نباشد دیه باید از بیت‌المال پرداخت گردد.)

▪ اگر مرتکب فرار کند دیه از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او گرفته می‌شود و اگر بستگانی نداشت و یا بستگان او فاقد بضاعت مالی بودند دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

تذکر: هر گاه مرتکب قتل غیر عمد فاقد تمکن مالی باشد و به اصطلاح اعسارش ثابت شود نمی‌توان خواستار پرداخت دیه از بیت‌المال شد و شامل این مورد نمی‌شود.

چنانچه پس از پرداخت دیه از بیت‌المال قاتل شناسایی شود برابر مقررات تعقیب و مجازات می‌شود و دیه را باید به بیت‌المال مسترد کند.

نکته قابل ذکر این است که در جاهایی که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود نیز اگر قتل در ماههای حرام واقع شده باشد دیه تغلیظ می‌شود یعنی ثلث دیه بر آن اضافه می‌شود همان طور که اگر فردی کشته شده و مثلاً اولیای دم ندارد یا شناسایی نشده‌اند و قاتل دیه را به بیت‌المال می‌دهد تغلیظ وجود دارد.

آیا می‌دانید؟

✦ در صورتی که طیب قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او براثت حاصل کند عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود.^۱

✦ کسی بر اثر حرکت و غلطیدن در حال خواب موجب تلف شود به منزله خطای محض است و عاقله او عهده‌دار خواهد بود.^۲

✦ اگر کسی دیگری را بترساند مثلاً با فریاد کشیدن یا انفجار صوتی باعث وحشت او شده و بر اثر این ترس آن شخص بمیرد ، اگر عمل نوعاً کشنده نبوده و شخص با قصد قتل این کار را نکرده باشد قتل شبه‌عمد محسوب شده و دیه بر عهده قاتل است.^۳ همچنین است اگر شخصی را بترساند که او در اثر این ترس فرار کند و در حال فرار خود را از جای بلند پرت کند یا درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است.^۴

1 - ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی

2 - ماده ۳۲۳ قانون مجازات اسلامی

3 - ماده ۳۲۵ قانون مجازات اسلامی

4 - ماده ۳۲۶ قانون مجازات اسلامی

❖ اگر کسی قصد قتل ندارد اما قصد پرت شدن دارد و خود را از جایی پرت کند و روی شخصی بیفتد و او بمیرد و این پرت شدن طوری بوده که معمولاً کسی با آن نمی‌میرد قتل شبه‌عمد است و دیه باید پرداخت شود. اگر قصد پرت شدن دارد ولی بی‌اختیار پرت می‌شود هم به همین صورت است ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی‌اختیار به جایی پرت شود خودش ضامن است نه عاقله و خودش باید دیه را بپردازد.^۱

اگر کسی در ملک خود یا راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد عهده‌دار هیچ خسارتی نیست^۲ اما اگر این کار در جایی باشد که توقف غیرمجاز است فرد ضامن می‌باشد مگر شخص عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که ضامن نمی‌باشد.^۳

سوال: در موردی که موتور سواری به دلیل تاریکی شب با وسیله نقلیه‌ای در محل توقف ممنوع پارک شده است برخورد نموده و راکب فوت می‌نماید ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی شخصی را که وسیله را در محل توقف ممنوع پارک نموده مقصر و مسئول پرداخت دیه می‌داند این امر با اظهار نظر کارشناسان راهنمایی و رانندگی در استناد به ماده ۱۵۹ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی علی‌الظاهر منافات دارد و آنان راننده موتور سیکلت را به دلیل عدم توجه به جلو مقصر می‌دانند. مستدعی است اعلام فرمایید جمع این دو ماده چگونه بوده و آیا امکان استناد به ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: در مورد استعلام نظریه کارشناسی منطبق با مقررات بوده و قابل تبعیت می‌باشد.

- در موردی که دو وسیله نقلیه با هم برخورد می‌کنند و یکی از راننده‌ها فوت می‌کند و این قتل مشمول قتل خطای محض باشد و مقصر اصلی در این تصادف خود مقتول است و راننده مسوول نمی‌باشد. (رای وحدت رویه شماره ۱۳-۱۳۶۲/۷/۶)^۴

❖ اگر در جایی عبور عابر پیاده ممنوع است عابر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حال حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نماید و منجر به فوت شود راننده ضامن دیه نخواهد بود.^۵

❖ اگر کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطای محض است.^۶

۱ - ماده ۳۲۷ قانون مجازات اسلامی

۲ - ماده ۳۳۰ قانون مجازات اسلامی

۳ - ماده ۳۳۱ قانون مجازات اسلامی

۴ - قربانی - فرج‌ا. - مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور - آراء جزایی - تهران: فردوسی - چاپ هفتم ۱۳۸۰ - صفحه ۴۰۰

۵ - ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی

۶ - تبصره ماده ۳۳۵ قانون مجازات اسلامی

- ❖ اگر دو نفر با هم برخورد کنند و کشته شوند در صورتی که شبه عمد باشد نصف دیه هر کدام از مال دیگری و اگر خطای محض باشد نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است.^۱
 - ❖ هر گاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود.^۲
 - ❖ هر گاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ و عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می‌تواند روی آن پا نگذارد به روی آن‌ها پا بگذارد.^۳
 - ❖ اگر ناودان یا بالکن منزل وامثال آن که قرار دادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود.^۴
 - ❖ هر گاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار نداشته باشد. البته این در صورتی است که راهی برای فرار و نجات آسیب‌دیدگان نباشد و گرنه روشن کننده آتش عهده‌دار نخواهد بود.^۵
 - ❖ هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود.^۶
 - ❖ اگر دو نفر عدواناً سبب وقوع جنایتی شوند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نمایند و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابره سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگر غیرعدوانی باشد فقط شخصی که کارش عدوانی است ضامن خواهد بود.^۷
- مرجع اثبات کلیه موارد فوق دادگاه رسیدگی کننده می‌باشد.

1 - ماده ۳۳۴ قانون مجازات اسلامی
 2 - ماده ۳۴۱ قانون مجازات اسلامی
 3 - ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی
 4 - ماده ۳۴۸ قانون مجازات اسلامی
 5 - ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی
 6 - ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی
 7 - ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی

قتل ناشی از اشتباه در هدف

قتل ناشی از اشتباه در هدف بدین گونه مطرح می‌شود که کسی قصد ارتکاب قتل شخص معینی را دارد و عملیات اجرایی جرم را هم شروع کرده، ولی بنا به علتی دچار اشتباه می‌شود و در نتیجه شخص دیگری را به قتل می‌رساند. مثلاً کسی از روی دشمنی که با شخص الف دارد، قصد کشتن وی را می‌کند و با تهیه سلاح، در مسیر عبور وی کمین می‌گیرد تا او را هدف گلوله قرار داده و به قتل برساند؛ ولی به هنگام تیراندازی دچار اضطراب شدید می‌گردد و در نتیجه به جای آنکه الف را نشانه بگیرد، عابری را هدف قرار داده و زندگی وی خاتمه می‌دهد. این گونه قتل به منزله قتل خطای محض می‌باشد^۱ چرا که قتل وقتی خطای محض محسوب می‌شود که قاتل نه قصد فعل واقع شده بر مقتول را داشته باشد و نه قصد نتیجه واقع شده بر او را.^۲

قتل ناشی از اشتباه در هویت

منظور از خطای در شخصیت این است که مجرم، قتل شخصی را به گمان اینکه زید است قصد کند و بعد از قتل معلوم می‌شود که او عمرو بوده است. خطای در شخصیت عبارت است از خطا در گمان و قصد فاعل، چون کسی که به طرف شخص معینی به گمان اینکه زید است تیراندازی می‌کند و سپس معلوم می‌گردد که آن شخص عمرو بوده است، در قصد خود خطا کرده و خطای واقع شده از آن چیزی ناشی شده است که آن را صحیح می‌پنداشته و قصد نموده است. این نوع قتل نیز از لحاظ فقهی قتل عمد محسوب نگردیده و شبه عمد محسوب می‌شود هر چند در این مورد نظرات مخالفی نیز وجود دارد.^۳

برای توضیح بیشتر موضوع را در قالب یک پرونده فرضی بررسی می‌کنیم.

- پرونده فرضی

آقای الف فرزند در تاریخ با یک دستگاه اتومبیل پیکان در جاده شمیران با یک نفر موتور سوار به نام آقای ب تصادف می‌کند که در این حادثه ب در دم جان می‌سپارد. نامبرده فاقد گواهینامه لازم برای راندن موتور بوده و تنها ورثه اش پدر اوست که ۵۰ سال سن دارد.

حال می‌خواهیم بررسی کنیم که راننده پیکان و پدر ب و قضات دادسرا و دادگاه چه حقوق و تکالیفی داشته و برای ایجاد صحیح وظایف خود از چه روش‌هایی باید استفاده کنند.

الف: سیر پرونده در دادسرا:

۱ - این جرم از جمله جرایمی است که نیاز به شکایت شاکی ندارد از این رو به محض وقوع جرم، مأمورین انتظامی شرحی از آنچه را که اتفاق افتاده به دادستان گزارش می‌کنند.

^۱ - ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی

^۲ - www.Farsnews.com

^۳ - همان

- ۲ - برای تکمیل پرونده باید جسد متوفی به پزشک قانونی فرستاده شود تا علت مرگ مشخص شود. چه بسا متوفی قبل از وقوع حادثه به علت دیگری مرده باشد.
- ۳ - باید مشخص شود که چه کسی در حادثه مقصر است. برای این کار لازم است تا ابتدا علت نهایی وقوع حادثه مشخص شود. معمولاً افسران کاردان فنی و کارشناس در امور تصادفات با بازدید صحنه تصادف و آثار و علائم به جا مانده از آن، نسبت به تعیین علت تامه وقوع حادثه و ترسیم کروکی اقدام می کنند و قاضی باید از مفاد این نظریه کارشناسی مطلع شود تا چنانچه آن را مطابق اوضاع و احوال موجود در پرونده نیافت و یا وی قانع نشد کارشناس را برای اخذ توضیح و تکمیل نظریه احضار کند یا اصلاً موضوع را به هیات سه نفره از کارشناسان ارجاع دهد.
- ۴ - معمولاً باور عمومی آن است که نداشتن گواهینامه موجب می شود تا راننده مقصر شناخته شود. حال آنکه صرف نداشتن گواهینامه به معنی مقصر بودن در حادثه نیست. نداشتن گواهینامه لازم برای رانندگی خود اتهام جداگانه ای است که دارای مجازات مخصوص خودش است.
- ۵ - اگر هر یک از طرفین نسبت به نظر کارشناس اعتراض داشته باشند، می توانند مراتب را به مرجع قضایی اعلام کنند تا چنانچه قاضی مربوطه رسیدگی به اعتراض را کشف واقعیت موثر دانست، موضوع را به هیات کارشناسان ارجاع کند. چه بسا در مرحله دوم هیات سه نفره نظری ابراز کند که مستلزم آن باشد موضوع به هیات پنج نفره از کارشناسان ارجاع شود.
- ۶ - با فرض اینکه در این پرونده علت وقوع حادثه، بی احتیاطی از جانب راننده پیکان تشخیص داده شود، مامورین انتظامی باید پرونده را به همراه وی سریعاً نزد دادستان ارسال کنند. مامورین انتظامی نمی توانند هیچ شخصی را بیش از ۲۴ ساعت در توقیف نگه داشته باشند. ارتکاب چنین تخلفی موجب اعمال مجازات برای آنان است.
- ۷ - دادستان پس از مطالعه پرونده می تواند شخصا به آن رسیدگی کند یا اینکه آن را به یکی از دادیاران یا بازپرس ارجاع دهد.
- ۸ - دادیار یا بازپرس در صورتی که پرونده ناقص باشد دستورات لازم را برای تکمیل پرونده می دهد. اگر پرونده کامل بود و به بیان دیگر دلایل برای تفهیم اتهام کافی بود، در گام اول در برخورد با متهم موضوع اتهام را با دلایل آن و به نحو روشن به وی تفهیم می کند و سپس برای تضمین حضور به موقع وی نزد مراجع قضایی از وی تامین مناسب اخذ کند. این تامین معمولاً در مورد چنین جرمی وثیقه است یعنی یا سند مالکیت منزل، مغازه و ... به وثیقه گرفته می شود یا وجه نقد به حساب دادگستری واریز می شود.
- ۹ - چنانچه متهم از معرفی وثیقه اظهار عجز کند به زندان اعزام می شود اما اگر به عنوان وثیقه وجه نقد را به حساب دادگستری واریز کند به زندان اعزام نخواهد شد. مساله مهم در این مورد معرفی سند رسمی ملکی است. روش معمول آن است که صاحب سند اعلام می کند حاضر است برای آزادی متهم و حضور به موقع وی وثیقه بسپارد. بنابراین یک کارشناس از دادگستری از ملک یا ساختمان دیدن می کند و پس از ارزیابی آن، گزارشی به قاضی می فرستد، مبنی بر اینکه ملک یا ساختمان مزبور به میزان مبلغ وثیقه ارزش دارد یا خیر. چنانچه ارزیابی مثبت باشد، مقام قضایی شرحی به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک یا ساختمان می نویسد و اعلام می کند که آن محل به اندازه وثیقه به نفع

دادگستری توقیف شود. پس از ارسال این نامه دریافت پاسخ آن مبنی بر توقیف ملک یا ساختمان به میزان مبلغ وثیقه، مقام قضایی قرار قبولی وثیقه را صادر می کند و چنانچه متهم به گناه دیگری بازداشت نباشد، آزاد خواهد شد.

باید توجه داشت که تا سیر مراحل بالا متهم در بازداشت خواهد بود و آزادی وی امکان پذیر نیست.

۱۰ - گاهی اوقات متهم قادر است که مال غیر منقول واقع در شهر دیگری را برای سپردن وثیقه معرفی کند. بنابراین مقام قضایی صادرکننده قرار با نوشتن نیابت قضایی از حوزه قضایی دیگر تقاضا می کند تا مراحل گفته شده را انجام دهد و پس از تکمیل نواقص پرونده، آنرا به حوزه قضایی که متهم در آن گرفتار شده ارسال کند.

۱۱ - متهم و شاکی حق دارند به نظریه اهل خبره و کارشناس با استدلال اعتراض کنند. اگر مقام قضایی رسیدگی به آن اعتراض را در کشف حقیقت موثر دید، دستور لازم را برای تکمیل نظریه کارشناسی (با اخذ توضیح از همان کارشناس) صادر می کند یا با ارجاع امر به هیات کارشناسان به آن اعتراض رسیدگی می کند.

۱۲ - اگر اولیای دم در حوزه قضایی محل وقوع جرم اقامت داشته باشند، مقام قضایی از آنان تحقیق می کند و اگر در حوزه قضایی دیگری اقامت داشته باشند این امر با اعطای نیابت قضایی صورت می گیرد.

۱۳ - برای اثبات رابطه وراثت نیاز است که گواهی انحصار وراثت دریافت شود ولی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی ارایه شناسنامه به مقام قضایی به تنهایی کافی است. در حالی که برای وصول دیه، اخذ گواهی انحصار وراثت از دادگاه ضروری است.

۱۴ - پس از تکمیل پرونده و اخذ آخرین دفاع از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، اگر قاضی تحقیق معتقد باشد متهم مرتکب جرم شده، با صدور قرار مجرمیت نظر دادستان را کسب می کند. اگر دادستان نیز با وی هم عقیده باشد با تنظیم کیفرخواست از دادگاه صالح تقاضای اعمال مجازات برای متهم می کند. دادگاه نیز پس از تعیین وقت محاکمه از طرفین دعوی و دادستان دعوت می کند. در این جلسه دادگاه به کیفرخواست شکایت شاکی و مدافعات متهم می پردازد و اگر متهم را گناهکار تشخیص داد، حکم به محکومیت وی صادر می کند و الا وی را از اتهام وارده تبرئه می کند. در هر حال حکم دادگاه قابل تجدیدنظر است و دادگاه تجدیدنظر استانی که دادگاه صادرکننده حکم در حوزه آن قرار دارد، مرجع رسیدگی به این تجدیدنظرخواهی است. مهلت تجدیدنظر از حکم دادگاه ۲۰ روز پس از تاریخ ابلاغ حکم است. در صورت عدم تجدیدنظرخواهی از حکم یا تایید حکم پس از تجدیدنظرخواهی و قطعیت آن، حکم قابل اجراست.

۱۵ - مجازات این جرم شش ماه تا سه سال حبس است، ولی در مورد دیه متهم دو سال از زمان وقوع جرم فرصت دارد تا آن را پرداخت کند. ملاک تعیین نرخ دیه، زمان اجرای حکم است. اگر اتومبیل بیمه باشد با معرفی واحد اجرای احکام دادرسی، هر دو نفر به شرکت بیمه مراجعه و مبلغ دیه را دریافت می کنند.^۱

یک نمونه دادنامه در این زمینه ذکر می گردد:

پرونده کلاسه- شعبه..... دادگاه عمومی (جزایی) دادگستری شهرستان قم دادنامه شماره

شاکي:-

متهم:-

اتهام: قتل غير عمدی در اثر بی احتیاطی در امر رانندگی

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای - فرزند - ، سن ۲۰ ساله ، شغل آزاد ، باسواد، اهل قم ، مقیم قم ، مذهب مسلمان ، شیعه ، تبعه ایران ، بدون پیشینه محکومیت کیفری، فاقد عیال و اولاد متهم به قتل غیر عمدی مرحوم - راکب موتور با ۵۰٪ تقصیر با وصف نداشتن گواهینامه در اثر بی احتیاطی در امر رانندگی موتورسیکلت و تخلف از قوانین و مقررات و با توجه به گزارش پاسگاه و شکایت اولیاء دم و تحقیقات معموله و نظریه کاردان فنی تصادفات و نظر پزشکی قانونی و کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا و دیگر قرائن و امارات موجود در پرونده بزه انتسابی محرز و چون عمل متهم منطبق است با مواد ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۴ و ۷۱۴ و رعایت بند پنج و شش ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی (متهم کرم و لال می باشد) لذا متهم به پرداخت ۵۰٪ از یک ديه مرد مسلمان ظرف دو سال از تاریخ وقوع در حق اولیاء دم و مبلغ ده میلیون ریال جزای نقدی بدل از بیست و پنج ماه حبس به عنوان جنبه عمومی جرم محکوم میگردد .

رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان قم میباشد .

رئیس شعبه دادگاه عمومی جزائی قم

نام محقق : خانم زهرالسادات قرشی